

رمضان، فرصتی استثنایی برای تمرین امید و همبستگی

الهیات عملی شاخه‌ای از الهیات است که به بررسی کنش‌های دینی در زیست‌جهان مؤمنان می‌پردازد و به این پرسش توجه می‌کند که ایمان چگونه در زندگی روزمره‌اجراوتحقق می‌یابد. در این رویکرد، دین نه صرفا به‌عنوان یک سیستم اعتقادی، که به‌عنوان شیوه زندگی مطالعه می‌شود و عبادات و مناسک دینی نه‌فقط به‌عنوان تکلیف که به‌عنوان فرصت‌های وجودی برای معنابخشی به زندگی و مواجهه با چالش‌ها تحلیل می‌شوند. در این چارچوب، امید نیز یک فضیلت الهیاتی و وجودی محسوب می‌شود که در سنت اسلامی با مفاهیم رجاء و انتظار فرج پیوند خورده است و الهیات عملی امید به این معناست که امید نه‌فقط یک مفهوم نظری، بلکه کنشی است که باید در زندگی روزمره تمرین، بازتولید و نهادینه شود. در شرایط بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه، این بحران فقط یک مسأله اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای وجودی و معنوی است که با ایجاد محدودیت در دسترسی به نیازهای اساسی، تدریجا امید را به ناامیدی و تاب‌آوری راه به فرسودگی تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی، آنچه مورد نیاز است نه صرفا امید نظری، که امید عملی یعنی توانایی ادامه دادن، تاب‌آوری، مقاومت کردن و معنا بخشیدن به زندگی در میانه سختی است و رمضان با آیین‌های متنوع خود فرصتی استثنایی برای تمرین این امید و بازتولید همبستگی در شرایط بحران فراهم می‌آورد. روزه به‌عنوان تمرین فردی امید، گرسنگی انتخابی را در برابر گرسنگی تحمیلی می‌نشانند و به مؤمن امکان می‌دهد تا رنج گرسنگی را نه به‌عنوان مصیبت، که به‌مثابه عبادت تجربه کند و معنای آن را دگرگون سازد. روزه همچنین با تعلیق موقت نیازورن نیازها و پابندی به تکالیف شرعی روزه‌دار، فرصت بازتعریف رابطه با آنها را فراهم می‌آورد و انسان درمی‌یابد که نیازهای واقعی بسیار کمتر با آن چیزی است که جامعه مصرفی القا می‌کند بسیار متفاوت است. این آگاهی وجودی در شرایط بحران به منبع مهمی برای مقاومت تبدیل می‌شود. افزون بر این، روزه مؤمن را به افق فراتر از بحران پیوند می‌زند و با ایجاد ارتباط با خداوند و اندیشیدن به پاداش اخروی، به رنج کنونی معنا می‌بخشد و آن را قابل تحمل‌تر می‌سازد. در سطح اجتماعی، رمضان با امیدآفرینی‌های جمعی خود، نقشی بی‌بدیل در بازتولید همبستگی و مقاومت در برابر ناامیدی ایفا می‌کند.

افطاری‌های جمعی در مساجد، حسینیه‌ها و حتی معابر عمومی، کارکردهای چندگانه‌ای دارند: بازتولید همبستگی اجتماعی از طریق گردشمایی افشار مختلف جامعه در شرایط سخت اقتصادی، توزیع عادلانه منابع به‌صورت خودجوش و تمرین سخاوت در تنگنا که پیامی عمیق درباره امید عملی دارد. این سخاوت در تنگنا به کنشی مقاومتی تبدیل می‌شود و پیام آن به قدرت‌های تحریم‌کننده این است که آنها می‌توانند اقتصاد را تحت فشار قرار دهند اما نمی‌توانند همبستگی و همدلی اجتماعی را از بین ببرند. شبکه‌های خودجوش مواسات و همدلی در ماه رمضان که به توزیع بسته‌های معیشتی، آزاد کردن زندانیان مالی، تهیه جهیزیه و کمک به بیماران می‌پردازند، علاوه بر کمک مادی، شبکه‌های امید نیز محسوب می‌شوند که به نیازمندان یادآوری می‌کنند در این بحران تنها نیستند.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

بیش از ۷۰ استاد دانشگاه و پژوهشگر در برنامه «جنگاشوب» به تحلیل و بررسی ابعاد، زمینه‌ها و پیامدهای وقایع دی ماه ۱۴۰۴ می‌پردازند. این برنامه که به‌همت دانشگاه صداوسیما و با همکاری گروه فرهنگ و اندیشه شبکه چهار سیما در ۲۶ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای تولید شده، از امشب ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه چهار می‌رود. بازپخش آن روز بعد، حوالی ساعت ۱۶ از شبکه خبر و ساعت ۱۷ از رادیو گفت‌وگو پخش می‌شود.

«جنگاشوب»؛ تلاشی برای فهم دقیق‌تر رخدادهای دی ۱۴۰۴

گزارش‌های خبری این نشست‌ها نیز هرروز در روزنامه جام‌جم منتشر می‌شود. تهیه‌کنندگی این برنامه برعهده شبکه چهار سیماست و دانشگاه صداوسیما مسئولیت اجرا، سردبیری، تولید محتوا و هماهنگی آن را برعهده دارد. در هر نشست، سه تن از صاحب‌نظران درباره عنوانی مشخص دیدگاه‌های خود را ارائه می‌کنند. بخشی از فرایند تولید این برنامه از جمله سردبیری، هماهنگی، گرافیک و تدوین، برنامه

توسط جمعی از دانشجویان دانشگاه انجام شده است. «جنگاشوب» نخستین برنامه‌ای است که به‌این شکل و با مشارکت دانشگاه صداوسیما و تلویزیون تولید می‌شود. این نخستین همکاری رسمی در این سطح میان دانشگاه، معاونت سیما و شبکه چهار برای تولید یک برنامه تلویزیونی ۲۶ قسمتی به شمار می‌آید، همکاری‌ای که امید می‌رود در موضوعات دیگر نیز تداوم یابد.

شعر قلب‌تپنده هویت ایرانی

علیرضا قزوه: امروز ایرانیان را نه با محصولاتی مثل فرش، نفت و ... بلکه با شعر در جهان می‌شناسند



تلاش می‌کنند سبک زندگی ایرانی-اسلامی دیده و الگو واقع نشود. آمریکا امروز استعمارگر اول در دنیا به‌شمار می‌رود، درحالی که پیش از این همیشه شاگرد انگلیس بوده است. الان بخش زیادی از پول‌های ما در کشورهای دیگر بلوکه شده و به ما اجازه برداشت نمی‌دهند. از سوی دیگر، به‌دلیل این فشارهایی توانیم محصولات خود را بفروشیم، درنتیجه ناچاریم در بازار سیاه این محصولات را خریداری کنیم، یا درحال حاضر به ما اجازه ارتباط با کشورهای دیگر داده نمی‌شود. تمام این مسائل باعث شده تا تنگناهای اقتصادی برای ما ایجاد شود اما باید به این مسأله توجه داشته باشیم که خود پیامبر(ص) هم در برهه‌ای از زمان به‌دلیل چنین فشارهایی به‌ناچار در شعب ابی‌طالب سکونت کرد و حتی در همان ایام بود که حضرت خدیجه(س) درگذشت. ولی کسی در آن زمان به پیامبر نگفت تو باعث این سختی‌ها شده‌ای. همه می‌دانستند که چنین مراحل سختی، زمینه‌ساز رشد اسلام است و ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم. بااین حال، آنچه امروز بیشتر از مسائل اقتصادی رنج‌آور است، بی‌عدالتی است و این‌که ما در برابر این بی‌عدالتی‌ها سکوت کرده‌ایم. عده‌ای سرمایه‌های این مملکت را یک‌شبه برده و کسی جلوی آنها را نگرفته است. به‌نظرم جوانان امروز که در دانشگاه‌های شعر می‌دهند، باید مقابل داگستری بیابند و مطالبات خود را از این زاویه مطرح کنند تا پاسخی به چپاول این عده که برای خود و فرزندان‌شان میلیاردها پول از حساب مردم برداشته‌اند، صورت بگیرد. باوجود آن‌که ما مملکتی مردمی داریم، ولی عده‌ای در این بین سوءاستفاده کرده‌اند. از این رو، معتقدم شعر می‌تواند حتی به چنین موضوعاتی ورود کند. هرچند، جوانان، امروز در این حیطه‌ها کمک‌کار و محتاطند، درحالی که با ظرفیت‌گسترده‌ای که در زمینه طنز و ادبیات در اختیار داریم، می‌توانیم شعرهای تاثیرگذاری از خود به‌جای بگذاریم.

مهم‌ترین دستاورد این دوره از جایزه ملی شهر شعر چه بوده است؟

شهرداری در مجموع در این سال‌ها به برگزاری برنامه‌های شمرتمری از این حیث پرداخته که جای امیدواری دارد. تخصیص مبالغ پانصد میلیون و ۳۰۰ میلیون تومان به برگزیدگان جشنواره‌های شعر، حرکت ارزشمندی است چرا که در تحول زندگی یک جوان نقش بسزایی دارد. ضمن این‌که همیشه باید باور بوده‌ام بخشی از بودجه مردم ما باید فرهنگی باشد و هرچقدر که در این عرصه کار کنیم، خوب است. در جست‌وجوهایی که داشتم، دیده‌ام که هرماه، ده‌ها مسابقه و همراه صداها جلسه‌ادی در فرهنگسرای تهران از سوی شهرداری برگزار می‌شود از این نظر اگر تهران را شهر شعر بدانیم، بیراه نگفته‌ایم. البته در کنار تهران، دیگر شهرها مانند تبریز، اصفهان، شیراز، کرمان، ساری و... هم از ظرفیت‌گسترده شعر برخوردارند و شاعران مستعدی را پرورش داده‌اند.

مسأله، خوانش با لذت شاهنامه بعد از گذشت تقریبا هزار سال از درگذشت فردوسی است. پس سنت‌ها، ریشه و مادر ما به‌شمار می‌روند که هیچ‌وقت از آن منفک نخواهیم بود. خوشبختانه امروز جوانان هم از سنت غافل نشده و در کنار نوآوری در اشعارشان به این ضرورت توجه دارند.

به‌نظر شما چطور می‌توان به‌مدد شعر به حفظ هویت ملی پرداخت؟

قدر مسلم این‌که با مطالعه تاریخ و ادبیات پرافتخارمان و غوطه‌ورشدن در شعرها و منظومه‌های کهن می‌توانیم به هویت خود بی‌بریم. به‌عنوان مثال، کسی که در تهران زندگی می‌کند، باید بداند که تهران و شهری هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نبوده‌اند. در اسطوره‌هایی که فردوسی در شاهنامه آفریده نیز آمده است که افراسیاب برادر خود را در شهر ری به قتل می‌رساند. این اتفاقات که درگذشته خیلی دور ما به‌وقوع پیوسته نشانگر آن است که در سرزمین ایران، مدنیت و شهریت وجود داشته. تهران برخلاف شهرهایی مثل واشنگتن و نیویورک که سابقه چندصدساله ندارند، شهری پرافتخار و پرقدمت است اما متأسفانه بعضی که تاریخ را خوب مطالعه نکرده‌اند، درباره هویت این شهرها هم اطلاعات نادرستی دارند. کما این‌که در وقایع اخیر، جوان لری را دیدم که درحالی‌که یک اسلحه برنو به‌دوش داشت و به‌شدت احساساتی شده بود، می‌گفت ما فرزندان سردار اسعدیم، درحالی که چون تاریخ‌خوانده نمی‌داند که سردار اسعد به‌دست پهلوی کشته شد. از این نظر، ضرورت دارد ادبیات در خدمت فرهنگ، گذشته و جغرافیای خود قرار بگیرد. در تاریخ از فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه به‌عنوان بدترین پادشاهان یاد می‌شود، چراکه باعث شدند بخش اعظمی از سرزمین‌های ما از دست برود. در این بین، نام‌دادن پادشاه‌پهلوی هم به‌چشم می‌خورد. اگر تاریخ را بخوانیم به‌اشتباه فکری نمی‌کنیم این سلسله خوب است. این درس‌ها را تاریخ و ادبیات به ما می‌گوید و طبیعی است اگر از مطالعه این متون غافل شویم، در تصمیم‌گیری‌های مان به‌اشتباه می‌افتیم. بعد از انقلاب، هیچ سرزمینی از دست ما نرفته و ایران هنوز در ردیف مردمی‌ترین کشورها قرار دارد. نمونه دیگر این مسأله، مکتوب‌شدن خاطرات رزمندگان و سرداران دفاع مقدس است، درحالی که ما در قرون گذشته جنگ‌هایی با عثمانی‌ها، رومی‌ها، تورانی‌ها و روس‌ها هم داشته‌ایم اما خاطرات و تجربیات آن برهه‌ها به‌اندازه خاطرات دفاع مقدس مکتوب نشده‌اند. البته مشکلات اقتصادی در شرایط فعلی را نمی‌شود انکار کرد اما باید بدانیم ریشه تمام این مشکلات به کشورهای آمریکا و انگلیس برمی‌گردد که سال‌هاست

کشور حضور یافته و توجهات فقط به شاعران تهرانی معطوف نبوده است. در کنار آن هم، زندگی‌شهرنشینی و مشکلاتی که در کلانشهرها وجود دارد محور بحث قرار داشته است. از این نظر، معتقدم تهران می‌تواند به‌عنوان پایتخت شعر ایران و حتی پایتخت شعر جهان مطرح شود. دلیلش هم این است که از گذشته تا امروز، ما ایرانیان را در جهان با شعرمان می‌شناخته‌اند، نه با محصولاتی چون فرش، نفت، خاویار و...

باتوجه به غلبه فضای مجازی بر حیطه‌های مختلف زندگی ما، شعر چقدر تحت‌تاثیر این فضا قرار گرفته است؟

این هم مورد مهمی است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. شکی نیست که امروز شعر می‌تواند در فضای مجازی بیش از گذشته مطرح شود؛ هرچند براین باورم در شرایط فعلی، ادبیات و اخلاق در فضای مجازی فراموش شده و افراد بعضا با لحن و زبان تند یا یکدیگر صحبت می‌کنند. از همه مهم‌تر اینکه امروز در فضای مجازی، سیاست‌زدگی بر اخلاق غلبه یافته و مشکل آفرین شده است. ردپای این بی‌اخلاقی را در وقایع اخیر نیز می‌توان مشاهده کرد.

ضمن این که درباره وضعیت شعر کلاسیک توضیح می‌دهید به این مسأله هم اشاره کنید که درحال حاضر کدام قالب شعری از اقبال بیشتری نزد شاعران برخوردار است؟

قالب‌هایی چون غزل، نهمایی، سپید، دوبیتی، شعر طنز و شعر کودک‌ونوجوان درحال حاضر در ردیف قالب‌های زنده و جدی به شمار می‌روند و در پنج دهه اخیر انقلاب به این قالب‌ها بیشتر توجه شده است؛ به‌خصوص قالب غزل که در این سال‌ها از تب‌وتاب و جدیت نیفتاده و همواره کانون توجه بوده است. در کنار بزرگانی که در این قالب خوش درخشیده‌اند، حضور جوانان هم دلگرم‌کننده است و از این منظر می‌توان وضعیت شعر امروز را مطلوب دانست. درواقع هیچ نگرانی‌ای از بابت جریان شعری معاصر نداریم.

پس این‌که برخی معتقدند جریان‌های نوگرا بر قالب‌های سنتی در شعر امروز احاطه یافته‌اند درست نیست؟ نه تنها سنت‌ها در شعر امروز کنار گذاشته نشده بلکه ما شاعران زنده‌ای در هر یک از قالب‌های کهن داریم که توانسته‌اند نکات مفیدی را در حیطه سرودن شعر به جوانان آموزش دهند. می‌توان گفت سنت در کنار نوآوری ضرورت دارد. همان‌طور که رساله دکترای مرحوم استاد قیصر امین‌پور هم حول محور همین موضوع بوده است. به‌بیان ساده‌تر، نوآوری همیشه در بستر سنت اتفاق می‌افتد و ما شاعران به‌خوبی این موضوع را درک کرده‌ایم. درنتیجه، مثل هواپیمایی نیستیم که ارتباط مان با برج مراقبت قطع شده باشد و راه را گم کرده باشیم و وارد سرزمین‌های دیگری شویم که مقصد ما نیست. ضمن این‌که همیشه به شاعران بزرگی چون سعدی، نظامی، حافظ، بیدل، مولوی، صائب و... افتخار کرده و مسیر این شاعران را ادامه داده‌ایم. نمونه این

مراسم اختتامیه جایزه ملی «شهر شعر» طی روزهای اخیر باهدف بازتعریف جایگاه ادبی تهران و حمایت از شاعران معاصر برگزار شده است. در عین حال، شبکه چهارسیما این روزها میزبان فصل پنجم برنامه‌ای به همین نام است که با حضور جمعی از شاعران معاصر و رویکرد توجه به ادبیات بقاء مختلف ایران روی آنتن رفته. این دو رویداد ما را بر آن داشت تا با علیرضا قزوه، شاعر نام‌آشنا و مدیر مرکز پاسداشت زبان فارسی صداوسیما در این باره به گفت‌وگو بنشینیم.

در این سال‌ها اهالی قلم بارها به این مسأله اشاره داشته‌اند که جای راه‌اندازی برنامه‌هایی با محور ادبیات کهن و ادبیات معاصر در رسانه‌های جمعی خالی است؛ بااین حال امروز که بخش فصل تازه «سرزمین شعر» از تلویزیون هشتم، مهم‌ترین تاثیر برنامه‌هایی از این دست از دید شما چیست؟ البته صداوسیما قلم‌ها به برنامه‌های ادبی پرکنده‌ای داشته ولی برنامه منسجمی که به جنبه‌های مختلف شعر بپردازند، کمتر پخش شده است. پیش از این، چهار فصل برنامه سرزمین شعر به‌شکل رقابتی در شبکه چهار صورت گرفت و در حال حاضر، فصل پنجم این برنامه به‌شکل تخصصی‌تری به موضوعات شعری می‌پردازد. البته برنامه‌هایی از این دست فقط در یک شبکه سیما کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است سایر شبکه‌ها مانند نسیم، افق، آموزش و حتی شبکه‌های استانی هم به این مسأله توجه داشته باشند تا از این رهگذر، جدی‌گرفتن ادبیات یک ضرورت شمرده شود. خوب است مردم هر استانی به‌واسطه چنین برنامه‌هایی بتوانند با ادبیات بومی خود آشنا شده و معیار زبان فارسی را بشناسند.

طی روزهای اخیر جایزه ملی شهر شعر برگزار و براساس آن، پایتخت به‌عنوان شهر شعر شناخته شد. این مسأله ممکن است خوشایند شاعران دیگر شهرهای کشور قرار نگیرد، به‌خصوص این‌که در سال‌های اخیر از سوی سیاست‌گذاران به مسأله تمرکززدایی تاکید زیادی شده است.

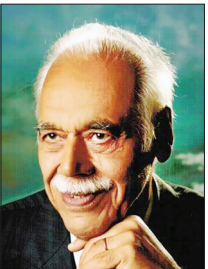
در سال‌های گذشته و دوره‌ای که من مدیر بخش ادبی فرهنگسرای تهران بودم، جشنواره بزرگی به‌نام «شب‌های شهرپور» را برگزار می‌کردیم. این جشنواره با این موضوع شکل گرفت که شهر تهران به‌عنوان محور انتخاب شود اما در دوره‌های بعدی این جشنواره، با دعوت از بزرگان این عرصه از سراسر کشور، تمام استان‌های کشور را درگیر کردیم. جایزه ملی شهر شعر که طی روزهای اخیر برگزار شد، درواقع یادآور این رویداد بوده است. اگرچه در فراخوان به موضوعاتی مانند انتخاب شاعران برتر جهان، زبان‌های بومی و... اشاره شد و در دوره اول این جشنواره، بیشتر بر قالب‌های مختلف و شعر فلسطین تمرکز داشتیم، ولی در این دوره، قالب‌های شعر فارسی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از کارهای مهم در این دوره این بوده که شاعران برگزیده از اقصای نقاط

روایت آب در موزه امام علی^(ع)

موزه هنرهای دینی امام علی (ع) میزبان نمایشگاه «باب آب داد» از سلسله رویدادهای هجدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر شد. آیدین مهدی‌زاده، مدیرکل تجسمی، هدف این نمایشگاه را عبور از تخصص‌گرایی به سوی هنر مردمی و فرآیند محور دانست. مهدی شفیی، معاون هنری، نیز با اشاره به جایگاه قدسی و اساطیری آب، بر پیوند هنر با مسائل اجتماعی تأکید کرد. این نمایشگاه در سه طبقه، آثاری از بزرگان هنر همچون سپهری، درودی و کیارستمی را با محوریت آب و خاک به تماشا گذاشته است.

خاموشی معمار دستور زبان فارسی

غلامرضا ارزنگ، پژوهشگر برجسته و مؤلف اثرگذار کتاب‌های درسی در ۸۹ سالگی دیده از جهان فروبست. او که از دهه ۳۰ خورشیدی ردای معلمی بر تن داشت، حضور در سازمان کتاب‌های درسی، جانی تازه به کالبد آموزش ادبیات دمید. ارزنگ با تدوین کتاب‌های «دستور زبان فارسی» و «آیین نگارش» برای دوره‌های راهنمایی و دبیرستان، شیوه‌ای نوین را در آموزش نظام‌مند زبان معیار بنیان نهاد. تغییر رسم‌الخط فارسی به صورت «انفصالی» در کتاب‌های درسی سال ۱۳۵۲ از یادگارهای ماندگار اوست. این استاد فرهیخته پس از بازنشستگی نیز از تکاپو بازنا ایستاد و در همکاری با فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در تألیف «فرهنگ جامع زبان فارسی» نقشی کلیدی ایفا کرد. اکبر ایرانی، مدیرعامل میراث مکتوب، در پیامی ارزنگ را چهره‌ای توصیف کرد که آثارش مرجع اصلی آموزش دستور برای چندین نسل بوده است. میراث‌او، ده‌ها عنوان کتاب تخصصی و هزاران شاگردی است که درست‌نویسی و اصول نگارش را از قلم استواری آموختند.



وداع بارمرگشای کتیبه‌های هخامنشی

پیکر استاد عبدالمجید ارفعی، ایلام‌شناس برجسته و مترجم منشور کوروش روز گذشته با حضور وزیر میراث فرهنگی و مفاخر کشور در مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی تشییع شد. ارفعی که از معدود متخصصان زبان‌های باستانی در جهان بود، با رمزگشایی از هزاران گل‌نیشته تخت جمشید، نظام اداری و مالی هخامنشیان را برای جهانیان بازخوانی کرد. سخنرانان در این مراسم، از نقش بی‌بدیل او در استرداد الواح تاریخی از آمریکا و عشق بی‌پایانش به هویت ایرانی تجلیل کردند. ژاله آموزگار و علی بلوکباشی با اشاره به زیست علمی پرفراز و نشیب او، ارفعی را دانشمندی فروتن نامیدند که دانش را با اخلاق درآمیخته بود. پیکر این میراث‌بان فرهنگ ایران که در ۸۶ سالگی دیده از جهان فروبست، برای خاکسپاری در جوار آرامگاه حافظ به شیراز بدرقه شد. با رفتن او، یکی از آخرین پیوندهای زنده با زبان‌های خاموش ایران باستان گسست، اما میراث علمی‌اش در حافظه جمعی ایرانیان جاودانه ماند.

